



۲۰۲۱/۱۰/۲۹



هارون یوسفی

## پاک کاری

در شهر، قرار است که دزدان برابند  
غار تگر و با منصب نادان برابند  
در شهر قرار است که آهسته و خپ خپ  
پولی که نهان گشته به یخدان برابند  
کاخى که ز خون من و تو گشته مهیا  
شاید که ز پیش همه یکسان برابند  
آن موتر دولت، و دو سه نوکر او را  
از بچه دردانه خان جان برابند  
آن کان طلا را که فلان قبضه نموده  
باز زور تفنگ و بم و هاوان برابند  
شهزاده ی دردانه ی او را ز سفارت  
معزول کنند و طی فرمان برابند  
در شهر، دگر جرأت آن را نتوانند  
تا کودک بیچاره ی افغان برابند  
آن مرد خبیثی که سر مزرعه ی ما  
یک قصر بنا کرده به پغمان، برابند  
از آنکه به پُف درمه جا شهره شهر است  
تی وی و سرای و همه دوکان برابند  
هر جاده بنام دو سه تا خاین و دزد است  
هم لوحه و هم نام شغالان برابند  
هر توتته نانی که بدزدیده ز مردم  
از حلق و گلوی همه شان برابند

آن خانه که از بهر تجمل شده آباد  
از کابل و پروان و بدخشان بریابند  
خلص که حق تو و همه خلق خدا را  
از معده و از حلق قمندان بریابند  
هارون یوسفی  
لندن- ۲۵ اکتوبر ۲۰۲۱



برای مطالب دیگر هارون یوسفی روی عکس کلیک کنید

